

کارنامه اول ماه مه ی حزب کمونیست کارگری

تنها چند روز پس از سپری شدن اول ماه مه در ایران، گزارش های رسیده توسط کارگران درگیر اول ماه مه؛ حکایت از نقش مخرب و ماهیت قیم مآبانه حزب کمونیست کارگری (حککا) در درون تجمعات مستقل کارگری، داشت.

نخستین گزارش؛ توسط «اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی» در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳ از مراسم اول ماه مه در تهران، جاده مخصوص کرج؛ رسید که در آن ذکر شد:

"...در پایان مراسم عده ای فرصت طلب از حزب کمونیست کارگری با به آشوب کشیدن سالن قصد برهم زدن مراسم را داشتند که با اعتراض برگزارکنندگان و حضار روبرو شدند."

گزارش دوم؛ توسط «جمعی از کارگران شرکت کننده در مراسم خور جا ده چالوس» در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳ از مراسم گلگشت به مناسبت برگزاری اول ماه مه که بیش از ۱۲۰۰ کارگر و خانواده هایشان در آن مراسم شرکت داشتند، رسید که در آن ذکر شد:

"...در حالی که در ساعت ۵/۴۱ دقیقه در حالی که مراسم در حال برگزاری بود دو تن از افراد گروه فشار موسوم به حزب کمونیست کارگری با در دست داشتن یک نایلون سبز رنگ وارد جمعیت شده و کاغذی را که ظاهراً قطعنامه ای بدون امضا بود، بدون هماهنگی با مسئولین برگزاری مراسم و بدون آنکه از قبل در جمع حضور داشته و یا کوچکترین نقش و ارتباطی با برگزار کنندگان مراسم داشته باشند، در بین جمعیت حرکت کرده و آن را در جیب افراد قرار دادند، پس از پنج دقیقه با یک دستگاه پیکان محل را ترک نمودند. این عمل آنان مورد اعتراض جمعی از شرکت کنندگان و مسئولین مراسم واقع گردید."

به دنبال دو اطلاعیه بالا حککا اطلاعیه ارعابگرانه و پر از اهانت؛ توهین و اتهام زنی، علیه اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران (از این پس اتحادیه)؛ در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ انتشار داد که گویا اتحادیه " دو اطلاعیه پی در پی با امضاهای متفاوت" گزارش های دو مراسم اول ماه مه را جعل کرده و اتحادیه را متهم به "رفتار شبیه پلیسی" کرد.

چند روز بعد، مقاله یکی از کارگران ایران (با نام بهرام ثباتی) انتشار یافت. در بخشی از این مقاله آمده است:

"در پایان مراسم تعدادی خواستار آن شدند که قطعنامه ای که به جریان خاصی نسبت داده می شد را بخوانند، لذا برگزارکنندگان مراسم برای جلوگیری از تشنج در سالن پایان مراسم را اعلام کردند.

با توجه به آنکه در روز قبل یعنی روز جمعه ۱۱ اردیبهشت این عده در مراسم اول ماه مه کوهنوردان واقع در خور (منطقه ای در کرج) اقدام به پخش قطعنامه کرده بودند، که خوشایند برگزار کنندگان آن مراسم نبود. همچنین در مراسم فلزکار مکانیک همین افراد به بهانه خواندن بیانیه زنان میکروفون را از مجری مراسم گرفته و قطعنامه خود را خواندند. این رفتار آنان نیز در این مراسم قابل پیش بینی بود.

با آگاهی از برخورد این تعداد در روز جمعه طبیعی بود که با عمل این عده بسیاری از کارگران حاضر در هر سه مراسم به شدت مخالف باشند.

رفتار افراد فوق حکایت از آن دارد که این افراد معدود اگر توان آن را داشتند خود مراسمی ترتیب می دادند. اما از آنجایی که از برگزاری مراسم جداگانه ناتوان بودند، با هجوم به مراسم کارگران قطعنامه جریان خاصی را که عنوان کارگر را پدک می کشد پخش و یا در یک مورد با توسل به زور (مراسم فلزکار مکانیک) میکروفون را گرفته و آن قطعنامه را می خوانند. این تعداد هم همانند دیگر گروه هایی که از عدم توجه مردم (در این جا کارگران) خشمگین هستند، با شیوه های غیردمکراتیک و با استفاده از زور و فشار اقدام به بیان عقاید خود می کنند. البته این افراد بازچه دست گروهی شده اند که اگر مجبور نشوند از رفتار عوامل خود دفاع نمی کنند. نا آگاهی این عده عاملی است که گوش به فرمان رهبری این فرقه ها شوند.

این رفتار غیر کارگری حکایت از دیدگاههای فرقه هایی دارد که با ماجرا جویی می خواهند با دست مایه قرار دادن کارگران به اهداف فرقه ای خود برسند."

و سپس در اوائل خرداد سخنگوی شورای کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه تأکید کرد:

"در طول مراسم چند نفر از شرکت کنندگان در مراسم اصرار بر در اختیار گرفتن تریبون و خواندن مقاله و قطعنامه خود را داشتند که با توجه به این که قطعنامه و مقالات فوق مصوبات این شورا نبود و از سوی دیگر با داشتن محدودیت زمانی تریبون در اختیار آنان قرار نگرفت."

به دنبال آن در جلسه پالتاک «خانه کارگر آزاد» ۱۴ خرداد ۱۳۸۳ چهار تن از دستگیر شدگان: جلال حسینی، محسن حکیمی، محمود صالحی و محمد عبدی پور شرکت کردند. در این جلسه محسن حکیمی چنین گفت:

"... این جریان سکتاریستی که اسم کمونیست و اسم کارگر را روی خودش گذاشته به انحاء مختلف کارشکنی کرد... باید از اینها پرسید اگر واقعاً شما توان این را دارید چرا نرفتید مراسم مستقل خودتان را برگزار بکنید؟ آمدید آویزان شدید، آمدید توی مراسم سندیکای فلزکار و مکانیک میکروفون را از دست مجری آن گرفتید و قطعنامه خودتان را خواندید.

آمدید در «خور» آنجا دزدکی قطعنامه خود را پخش کردید و توی جیب شرکت کننده ها گذاشتید. آمدید توی مراسم جاده مخصوص آنجا با وصف اینکه اعلام شد که این مراسم خاتمه یافته است، شما جلوی مردم را گرفتید و گفتید بیرون

نروید بیرون نروید ما می خواهیم قطعنامه را بخوانیم ، اینها به ما اجازه نمی دهند که ما قطعنامه را بخوانیم! به چه دلیل باید به شما این اجازه را دهند؟ مراسم متعلق به کسی دیگر است کسی دیگر آن را برگزار کرده و در واقع قطعنامه مصوب خود را می خواهد بخواند. شما هم بروید قطعنامه مصوب خود را در مراسم متعلق به خودتان بخوانید. اگر کسی جلوی شما را گرفت آن وقت بگویید، بله شما مخالف آزادی بیان هستید.

یا در همین خود سقز افرادی از همین جریان بودند در همین شورا، اینها قرار گذاشته بودند که قبل از مراسم آنجا حاضر شوند و دستجمعی بیابند در پارک و اینها حاضر نشدند یعنی کارگران دیگر را تنها گذاشتند در مقابل پلیس در مقابل اطلاعات. اینها است نمونه هایی که من می گویم اینان با کمال خصومت با کمال کینه تیزی آمدند با این حرکت برخورد کردند..."

همانطور که از گزارش های رسیده از ایران پیداست، حککا با یک سیاست برنامه ریزی شده قصد آنرا داشته است که با زور وارد تجمعات مستقل کارگری شده و آن تجمعات را از آن خود کند! قافل از اینکه کارگران پیشروی ایران تیز بین تر و حساس تر و سیاسی تر از آن هستند که حککا تصور می کرد! این نخستین اقدام این گرایش خرده بورژوازی در به سرعت بردن دستاوردهای کارگران بود که با شکست فاحش مواجه شد.

در حاشیه چنین آبروریزی ای است که حککا، افشاگری کارگران را به اقدامی پلیسی تشبیه می کند. در صورتی که اقدام پلیسی از سوی خود حککا صورت گرفته است. فیلم برداری از کارگران بدون اجازه از آنها برای مصرف در شبکه های تلویزیونی و در نتیجه شناساندن چهره های کارگران به پلیس؛ و پخش قطعنامه های بدون امضا از سوی فعالان شناخته شده حککا (قطعنامه ای که هم زمان در سایت ها با امضا حککا انتشار یافته است) و از این طریق منتصب کردن همه شرکت کنندگان به حککا و به مخاطره انداختن جان آنها... خود نمایانگر این روش از کار است. در جلسه سخنرانی دستگیرشدگان اول ماه مه در سقز؛ در اعتراض به افشاگری محسن حکیمی «لیدر»های حککا همین اتهامات را متوجه محسن حکیمی نیز کردند که او در پاسخ چنین گفت:

"جریانی که من را متهم می کند که گویا من کسی را از نظر امنیتی به خطر انداختم، خود در واقع این حرکت پلیسی اطلاعاتی را کرده. به این ترتیب که پیش نویسی در مورد تشکل مستقل کارگری بوده و نویسنده آن مصلحت ندیده که انتشار علنی پیدا نکند. ولی این پیش نویس بدست این جریان رسیده و آن را بصورت علنی منتشر کرده. آیا این بخطر انداختن نویسندگان این پیش نویس در ایران نیست؟"

۱- کسی که مدعی است نباید چنین کارهای شود، این را باید به من جواب دهد.

۲- همان پیش نویس را سانسور کردند و این یکی از ردیانه ترین کارهاست. آن قسمت آن که مربوط به حزب می شود و بند دهم آن می باشد، سانسور کردند، چرا؟ برای اینکه ثابت کنند که نویسنده این منشور ضد حزب است، ضد حزب کارگری است. یعنی ابتدا سانسور کردند که بعد بتوانند بگویند که این منشور ضد حزب است یا نویسنده آن با حزب ضدیت دارد..... جایی در همانجا گفته شده حکیمی در منشوری که در مورد ضد سرمایه داری نوشته آنجا از **جدايي دين از دولت** طرفداری کرده یعنی آنکه به هر حال آشکارا به اطلاعات و پلیس گفته که (آي پلیس، آي اطلاعات) نویسنده این پیش نویس و منشور، محسن حکیمی است. آیا این کار اطلاعاتی نیست؟ آیا این کار پلیسی نیست؟

کسی که مدعی است، باید قبل از اینکه به من این اتهام را بزند به این جریان برخورد بکند که:

۱- شما چرا اساساً این منشور را که یک پیش نویس درونی است منتشر کردید؟

۲- چرا سانسورش کردید و در واقع چرا بطور آشکار گفتید که نویسنده این فلان کس است؟"

قضایوت در مورد کارنامه اسفبار اول مه ۱۳۸۳ حککا بر عهده کارگران ایران گذاشته می شود. این افشاگری توسط کارگران پیشرو هشدار می است به حککا و سایر جریانات قیم مآب که قصد تحمیل خود بر جنبش کارگری را در سر می پروراند. رهبران و سازمانده های کارگران در خود ایران حضور دارند و آنها در مقابل این گرایش های خرده بورژوا که در نهایت در خدمت بورژوازی قرار می گیرند؛ خواهند ایستاد.

در آخر، سخنی با سازمان ها «سوسیالیستی» و «کارگری» خارج کشور. از اینها انتظار می رود که در محکومیت این اقدامات غیر اصولی حککا موضع اعلام کنند. سکوت و یا تأیید این اقدامات ضد کارگری و یا اتخاذ مواضع مابینی، در تقابل آشکار با منافع کارگران ایران است. در مقابل ارعابگری و باج خواهی حککا ساکت ننشینیم و در تقابل با آن در کنار کارگران پیشرو قرار بگیریم!

اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران

۱۸ خرداد ۱۳۸۳

گزارش های ماه مه از ایران و سخنرانی محسن حکیمی در سایت اینترنتی:

<http://www.javaan.net/Nazari/nagad.htm>